

نوروز از دید سفرنامه‌نویسان دوره صفویه و قاجاریه

علیرضا دارابی^۱

چکیده

یکی از منابع مهم بررسی وجوه فرهنگ مردم ایران، گزارش‌ها و سفرنامه‌های سیاحان و مستشرقین است. اگرچه برخی از آنها یادداشت‌هایی خصوصی است و گاه با اهداف جاسوسی و سیاسی انجام گرفته‌اند، اما از لحاظ مردم‌شناسی و فرهنگ مردم ذی‌قیمت است و اطلاعات خوبی در ادوار تاریخی به دست می‌دهند. در این بین، اکثر سیاحان از نحوه برگزاری نوروز گزارش مفصلی ارائه نموده‌اند. این مقاله، با نگاه تاریخی و با رویکرد توصیفی، انجام گرفته، و در آن عناصر آئینی نوروز را (تعیین و اعلام زمان تحویل سال، آئین‌های پیشواز نوروز، هدیه دادن، دیدو بازدید، عیدی دادن، سبزه انداختن، تخم مرغ رنگ کردن، تهیه لباس نو، مراسم تحویل سال، سفره هفت‌سین، سبزه‌ده‌در و...) در ادوار صفویه و قاجاریه در انطباق با یکدیگر بررسی شده است. علاوه بر آن به نحوه برگزاری عید نوروز در دربار (ضرب سکه، انتصابات، مراسم سلام و تحویل سال) اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: سفرنامه، سفرنامه‌نویسان صفویه، سفرنامه‌نویسان قاجاریه، سیاحان، نوروز

۱. کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی و پژوهشگر مرکز پژوهش و سنجش افکار صداوسیما. رایانامه:

مقدمه

نوروز یکی از اعیاد ملی ایرانیان است که بنیان‌گذاری آن را به جمشید پادشاه افسانه‌ای ایران نسبت داده‌اند. وی برای اولین بار، سال شمسی را معمول داشت و در نخستین روز آن جشنی برپا کرد به همین دلیل این روز را نوروز نامیده‌اند (روح‌الامینی، ۱۳۷۶: ۳۶). نوروز در آن دوران، که عصر طلایی ایران بود، اثرگذار بود. آمدن نوروز در هر سال خاطره آن دوران و وعده بازگشت آن است. در ایران پیش از اسلام، نوروز شادترین و زیباترین جشن‌ها بود. این جشن در اوستا و دین زرتشتی نیز اهمیت زیادی دارد. (پارشاطر، ۱۳۷۷: ۲۱۳ - ۲۱۲)

از آنجا که نوروز و جشن‌های بهاری با تغییر فصول که دغدغه دائمی اقوام کشاورز است مربوط می‌شود، بسیاری از ایران‌شناسان آنها را با اعیاد پیش از حضور آریاها در فلات ایران و نواحی پیرامون مربوط می‌دانند. (بهار، ۱۳۶۲: ۲۰)

«قدیمی‌ترین نشانه‌های جشن سال نو، به نخستین خاندان سلطنتی اور و به هزاره سوم قبل از میلاد مربوط می‌شود (بهار، ۱۳۷۴: ۲۲۹). درباره مراسم نوروزی، در دوره هخامنشی اطلاعات ناقص و محدود وجود دارد، ولی در اینکه شاهان این سلسله به اجرای آداب و تشریفاتی در نوروز می‌پرداختند و این عید را می‌شناخته‌اند، شکی نیست. با توجه به آثار بابلی داریوش هخامنشی نوروز هر سال به معبد مردوک، رب‌النوع بزرگ بابل، می‌رفت و دست آن را می‌گرفت. پادشاهان هخامنشی برای مشروعیت دادن به خود و حکومت در نزد هر قوم و ملتی خود را طرفدار مذهب آنها معرفی می‌کردند. (شعبانی، ۱۳۷۸: ۹۷-۹۵).

درباره نوروز در دوره اشکانیان اطلاعات زیادی نداریم، ولی با کشف تعدادی از آثار و نوشته‌های سفالی و غیره در نسا ترکمنستان مشخص شد که در آن دوره نیز آغاز بهار را جشن می‌گرفتند و اجرای مراسم ویژه مهرگان می‌تواند نشان از برگزاری با شکوه نوروز در میان عامه مردم باشد. در منظومه ویس و رامین فخرالدین/سعید گرگانی که متن آن مربوط به اشکانیان است، نشانه‌های نوروز دیده می‌شود، به‌ویژه آنکه گویا در اثر عقب افتادن کیسه سال‌ها، جشن نوروز از موضع طبیعی و نجومی

نوروز از دید سفرنامه‌نویسان دوره صفویه و قاجاریه ❖ ۹۹

خود خارج می‌شده است. در زمان ساسانیان، برگزاری نوروز به‌عنوان جشن ملی همه ایرانیان محسوب می‌شد. از این رو حتی مردمی که پیرو آئین زرتشت نبوده‌اند، اما در حوزه حکمرانی ایران زندگی می‌کردند، مانند آرامیان مغرب ایران آن روزگار، گرجیان، ارمنیان و ملل دیگر قفقاز، در آن شرکت داشته و برخی از مراسم آن را در زندگی خود وارد کرده‌اند و حتی برخی از مراسم این جشن در مراسم مذهبی ارمنستان و گرجستان راه‌یافته است. (اذکایی، ۱۳۵۶: ۸)

نوروز در دوره اسلامی

ثبت و ضبط مورخان و نویسندگان و دانشمندان ایرانی از چگونگی برگزاری جشن‌های آغاز بهار، از برگزاری این مراسم و عید ملی در دوران اسلامی خبر می‌دهد. با اینکه ایرانیان دین مبین اسلام را پذیرفتند و دست از دین آبا و اجدادی خود برداشتند، ولی بعضی از آئین‌ها و آداب و رسوم خود را با دین جدید مطابقت دادند و در اجرای آن پافشاری کردند. نوروز یکی از این آئین‌هاست که جایگاهی مردمی پیدا کرد و بیشتر اجتماعی بود تا دینی. این نکته، خود باعث شد اعراب نیز در اجرای آن سختگیری نکنند. نوروز یکی از اعیاد ملی ایرانی محسوب می‌شود که به علت مشخصه‌هایی بارز، پس از ورود دین اسلام به ایران، نه تنها در میان ایرانیان مسلمان حفظ شد، بلکه به دیگر مناطق اسلامی نیز راه یافت. «بسیاری از رسوم ایرانی در دربار خلفا و نزد اعراب وارد شد. از جمله جشن‌های ایرانی به‌ویژه نوروز که از مدت‌ها قبل در بین‌النهرین و نقاطی دورتر از آن معمول بود، در بیشتر جاها رواج یافت» (اشپولر^۱، ۱۳۶۲: ۴۶). از دولت‌های ایرانی در عهد اسلامی، بیش از همه صفاریان، به احیای زبان فارسی و آئین‌های ایرانی همت گماشتند، پس از آنها سامانیان در خراسان بزرگ، بسیاری از آئین‌های ایران باستان را احیا کردند. آل‌بویه در نگهداری آداب و رسوم و جشن‌های ایرانی، به‌خصوص نوروز، مهرگان و سده چشمگیرتر و مؤثرتر از همه بوده است. در دوران غزنویان و با توجه به مطالب ثبت‌شده در تاریخ بیهقی به اهمیت دادن

1. Bertold spuler

❖ ۱۰۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

سلاطین این خاندان به نوروز پی می‌بریم؛ مثلاً سلطان مسعود غزنوی در سال ۴۲۹ قمری در نوروز، جشن جلوس را برگزار کرد و هدایا را رد و بدل کرد. (شعبانی، ۱۳۷۸: ۱۲۰) در اعصار سلاجقه و خوارزمشاهیان و ایلخانان مغول، که مصادف بود با یکه‌تازی اقوام ترک و مغول، آنها به دلیل حکومت بر ایرانیان و قرار گرفتن در مسیر فرهنگ و تمدن ایرانی، نسبت به آئین‌ها و آداب و رسوم ایران ابراز علاقه کردند و خود در گسترش آن اقدام کردند. «ایرانیان در دوران مغول این عید را پناهگاه و دست‌آویز خود ساختند و به‌عنوان شعاری برای نمایان ساختن روح مجد و عظمت و دفاع در راه طرد آن چیره‌گران غاصب و اظهار استقلال، قرار دادند.» (اذکایی، ۱۳۵۶: ۱۸ - ۱۷)

از دوران تیموریان، سیاحان مختلفی وارد ایران شدند و دست به تحریر خاطرات خود زدند و در این بین غرض‌ورزی‌ها و کینه‌ها یا دشمنی و دوستی‌ها و شادی‌هایی که در طول مسیر برای این سیاحان پیش می‌آمد باعث دگرگونی برداشت این دسته از مستشرقان نسبت به مردم و آداب و رسوم ایران زمین شد. در دوره صفویه، نوروز جایگاه ویژه‌ای در میان مردم و پادشاهان پیدا کرد و با تظاهرات و اعمال و اقدامات دیگری که جنبه مذهبی داشت، پیوند خورد. به صورتی که علمای آن زمان حدیث‌های متعددی را که در این زمینه وجود داشت گردآوری کردند. در کتب مذهبی دوره صفوی، در خصوص آداب نوروز از جمله سفره هفت‌سین و اجزای آن به‌صورت مفصل سخن رفته است. در *عجایب‌المخلوقات*، آمده که پادشاهان قدیم عرب همان‌سان که ایرانیان روزهای نوروز جشن می‌گرفتند، روز دهم محرم به شادی می‌نشستند و بر این اعتقاد بودند که پروردگار در آن روز، گناه نافرمانی آدم و حوا را بخشید. توفان نوح فرونشست. سلیمان به تخت سلطنت برآمد و فرعون و لشکریانش در آب غرقه شدند. (شاردن، ج ۳، ۱۳۷۲: ۱۰۱۵)

نوروز در دوره صفویه

در خصوص نوروز، سیاحان غربی که در هنگام تحویل سال در ایران بودند مطالبی را ذکر کرده‌اند و نوشتارهایی از روی ماجراجویی یا علاقه و مأموریت جاسوسی نقل

نوروز از دید سفرنامه‌نویسان دوره صفویه و قاجاریه ❖ ۱۰۱

کرده‌اند و در آن به جشن‌ها و آداب و رسوم و شگفتی‌های مراسم نوروز در نزد ایرانیان اشاره کرده‌اند. این نوشتار، بعد از مدتی توسط خودشان یا کسان دیگری به چاپ رسیده و برای آیندگان به عنوان یک آبخور آگاهی و اطلاعات و سند ارزشمند از آن سال‌ها بر جای مانده است. در این بین ثبت مراسم عید باستانی نوروز یکی از مسائل جذاب برای این مسافران غربی بود.

در این نوشتار، سعی می‌شود مطالب سیاحان اروپایی نسبت به نوروز به رشته تحریر درآید. در این دوره، سیاحان بسیاری به ایران آمدند که از معروف‌ترین آنها شاردن^۱ است که خاطرات خود را ثبت کرده است. سیاحان دیگری نیز که در دوران صفوی به ایران مسافرت کردند و دست به ثبت و نگارش مشاهدات خود زدند می‌توان به اولئاریوس^۲ اشاره کرد که نام اصلی‌اش آدام اولشلگر^۳ بود و دبیر سفیر دوک هولشتاین - فریدریک سوم - در زمان پادشاهی شاه صفی به ایران آمد و دست به نگارش سفرنامه خود زده.

تعیین و اعلام زمان تحویل سال

یکی از موضوعاتی که مستشرقان به دلیل ارتباط مستقیم با دربار به گزارش آن اهتمام داشته‌اند، نحوه محاسبه و اعلام سال نو است. در این موضوع گزارش‌های اولئاریوس و شاردن خواندنی است: منجم برای تعیین وقت حلول سال جدید از جای برخاست و با اسطرلاب پس از گرفتن ارتفاع خورشید، ساعت و لحظه‌ای که خورشید به زاویه بین افق و آسمان می‌رسد و نیز دریافت نقطه دلخواه با فریادی آغاز سال نو را اعلام کرد. (همان: ۷۸-۸۰)

در خصوص اعلام آغاز سال نو نیز مطالب متعددی ذکر شده است که شاردن در سفرنامه خود بیان نموده که منجمان یکی دو ساعت پیش از حلول سال جدید درحالی که لباس نو بر تن آراسته‌اند، در کاخ سلطنتی و در شهرها در سرای حکام گرد

-
1. Jean Chardin
 2. Adam Olearius
 3. Adam ölschlääger

۱۰۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

می‌آیند، به پشت‌بام یا مهتابی می‌روند، اصطراب خود را به دست می‌گیرند، در آن می‌نگرند و همین‌که آفتاب به برج حمل درآمد با دست علامت می‌دهند که توپچیان تیراندازی کنند. روز بیست و یکم مارس، چهل‌وهفت دقیقه پس از سر زدن خورشید مطابق اول ماه ذی‌حجه آخرین ماه سال هجری قمری حلول سال نو اعلام شد. (شاردن، ج ۱، ۱۳۷۲: ۴۵۰ - ۴۴۹)

علاوه بر نحوه محاسبه لحظه تحویل سال نو توسط ستاره‌شناسان، لحظه تحویل سال با شلیک توپ و نواختن موسیقی، از موضوعاتی است که از دید سیاحان دور نمانده است. اولتاریوس می‌نویسد:

هم‌زمان با این مراسم، چند تیر توپ شلیک و بر فراز دیوارهای شهر و برج‌ها، شیپور و طبل زدند و به این ترتیب جشن با شادی بزرگی آغاز شد و روز به خوبی و شادمانی پایان یافت. پولاک^۱ شمارگان دقیق‌تری از نوازندگان و شلیک توپ سال نو ارائه می‌کند. بعد از اعلام سال نو شلیک گلوله توپی ورود شاه را اعلام می‌دارد، بلافاصله هیاهو و سروصدایی کرکننده همه‌جا را فرا می‌گیرد؛ ناگهان یکصد و بیست و یک گلوله توپ با هم شلیک می‌شود و در همان حال در مدخل میدان بزرگ از نقاره‌خانه که مرکب از چهل نوازنده است از بوق‌ها، سنج‌ها، طبل‌ها، شاخ‌نقیرها، سرناها چیزی مانند موسیقی وحشیان به گوش می‌رسد. (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۶۰)

در این خصوص کمپفر^۲ (۱۳۶۳: ۱۳۹) به نواختن نقاره شیپور و سنج از نیمه‌شب تا ظهر اشاره کرده و شاردن (۱۳۷۲، ج ۲، ۴۵۰ - ۴۴۹) شلیک سه توپ از پادگان قلعه را را یادآور شده است.

هدیه دادن

درباره هدیه دادن شاردن، اولتاریوس، کارری و دلاواله^۳ آرای مشابهی هم دارند و از هدیه بزرگان کشور به شاه می‌گویند. مواردی چون طلا، اجناس گران‌قیمت مانند پارچه

1. Jakob Eduard polak

2. Engelbert kaempfer

3. Pietro Della Valle

نوروز از دید سفرنامه‌نویسان دوره صفویه و قاجاریه ❖ ۱۰۳

و جواهر و عطرهاى خوشبو و اجناس كمياب (اولئاریوس، ۱۳۸۵: ۳۵۶؛ كاری، ۱۳۴۸: ۱۴۷؛ شاردن، ج ۱، ۱۳۷۲: ۴۵۰ - ۴۵۴) در این خصوص دلاواله (۱۳۷۰: ۵۰) آورده است كه در روزهای عید، بزرگان به زیردستان و سالخوردگان به خردسالان عیدی می‌دهند. شاردن همچنین می‌نویسد؛ در روزهای عید، فرودستان به بزرگان هدایایی تقدیم می‌دهند؛ چه این رسم مردمان مشرق‌زمین است كه در روزهای آغاز سال نو فقیران به دولتمندان و كوچكان به بزرگان چیزی تقدیم می‌کنند و همیشه این رسم رعایت می‌شود. (شاردن، ج ۲، ۱۳۷۲: ۷۶۸)

انتصابات

از دیگر مراسم نوروز، در ایران عصر صفویه، می‌توان به انتصاب حکمرانان و به دست آوردن پست‌های حكومتی اشاره كرد. شاردن در سفرنامه خود بیان می‌كند كه نوع هدیه به شاه، می‌تواند در به دست آوردن و نوع منصب تأثیر داشته باشد (همان، ج ۱، ۱۳۷۲: ۴۵۰) دلاواله (۱۳۷۰: ۱۶۴). نیز ذكر كرده است در ایران رسم است كه موقع عید نوروز رؤسا و امرای جدید تعیین می‌شوند و تعیین داروغه؛ یعنی حاكم شهر نیز در همان تاریخ انجام می‌گیرد.

دید و بازدید

اگرچه درباره دیدوبازدید نوروز كمپفر و شاردن مطالبی ارائه كرده‌اند: اما گزارش ایشان از این موضوع منحصر به دیدار بزرگان از پادشاه است و از دید و بازدید عموم مردم توصیفی وجود ندارد. (شاردن، ج ۲، ۱۳۷۲: ۷۶۸؛ كمپفر، ۱۳۶۳: ۱۳۹)

اعتقادات مردم

در دوره صفویه همه‌چیز به دربار منتهی نمی‌شد و گاهی در سفرنامه‌ها از باورهای عامه مردم سخن به میان آمده است. از جمله: مؤمنان و زاهدان و خداترسان غالب ساعات روز عید را در خانه خود به خواندن دعا و ورد و ذكر می‌گذرانند. صبحگاه روز عید، غسل كرده و جامه تمیز بر تن می‌کنند، از هم‌بستری با زن می‌پرهیزند، نماز واجب

۱۰۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

و مستحب به جای می‌آورند؛ قرآن و کتاب‌های مذهبی می‌خوانند و نیت و آرزو می‌کنند که به برکت قرآن و دیگر کتاب‌های دینی تمام ایام سال را به تندرستی و خرمی به سر ببرند.

برخی از مردمان دیگر که فکر و ذکرشان جمع‌آوری مال است، به سخن دیگر اهل دنیا و بهره‌گیری از نعمت‌های آن هستند، ایام عید را به عیش و طرب و سرمستی و خوش‌گذرانی می‌سپزند و بر این اعتقادند که باید روزهای اول سال را به بی‌خبری و شادی و سرور گذرانند تا باقی روزهای سال قرین آسایش و تندرستی و شادکامی باشند. (شاردن، ج ۱، ۱۳۷۲: ۴۵۳)

گاهی همین سیاحان، برداشت‌های غلطی از روز برگزاری عید نوروز داشته‌اند؛ مانند شاردن که می‌نویسد: از میان همه اعیاد و سوگواری‌های مسلمانان که برحسب گاه‌شماری ماه‌های قمری معین می‌شود عید جانشینی حضرت علی(ع)، یگانه عیدی است که موافق سال‌های شمسی تعیین می‌گردد (همان: ۴۵۴) و همان‌گونه که اشاره شد اولئاریوس نیز روز تحویل سال را اشتباه برداشت کرده بود. (اولئاریوس، ۱۳۸۵: ۸۰-۷۸)

سبزه انداختن

سبزه انداختن یک سنت قدیمی در بین ایرانیان است که شاردن به آن چنین اشاره می‌کند. ایرانیان در بهاران خاصه هنگام عید ملی و باستانی نوروز کوزه‌های پوشیده از سبزه درست می‌کنند که مشاهده آن چشم را نیرو و دل را نشاط می‌بخشد و با این کوزه‌ها خانه خود را می‌آریند. برای این کار، مقداری تخم شاهی را با قدری خاک مخلوط و خیس می‌کنند و به سراسر کوزه می‌مالند. سپس روی آن را با پارچه‌های کاملاً خیس می‌پوشانند و کوزه را پر از آب می‌کنند. (شاردن، ج ۲، ۱۳۷۲: ۷۲۸ - ۷۲۷)

تخم مرغ رنگی

رنگ کردن تخم مرغ و هدیه آن و اشاره به فلسفه آن از موضوعات نوروزی است که در میان سیاحان تنها شاردن درخصوص آن مذاقه نموده است. ایرانیان از چند روز پیش از فرارسیدن عید باستانی و ملی نوروز تعدادی تخم مرغ را به رنگ‌های گوناگون

نوروز از دید سفرنامه‌نویسان دوره صفویه و قاجاریه ❖ ۱۰۵

رنگ‌آمیزی، و بعضی را نقاشی یا تذهیب می‌کنند. هر یک این تخم‌مرغ‌ها یک یا دو پیستول می‌ارزد. پوست بعضی از تخم‌مرغ‌های مخصوص بازی را به وسایلی سخت و سفت می‌کنند تا زود نشکند (همان: ۷۹۰). ایرانیان بر این باورند که تخم‌مرغ مایه پیدایی و تکوین حیات و موجودات است، از این رو، تخم‌مرغ‌های زیادی به نقش‌ها و رنگ‌های شاد و زیبا رنگ می‌کنند و به هم هدیه می‌دهند. برخی از این تخم‌مرغ‌ها چنان منقش شده‌اند که هر کدام سه دوکا بها یافته‌اند. پادشاهان هر سال پانصد تخم‌مرغ را که هر کدام با آب‌طلا زرنگار شده و بر روی هر یک چهار صورت به شیوه مینیاتور نقش شده در سینی‌های طلا می‌نهند و برای زنان خود می‌فرستند. من چند عدد از این تخم‌مرغ‌ها را به دست آورده و با خود آورده‌ام. (همان، ج ۱: ۴۵۲)

لباس نو

لباس نو پوشیدن نیز از دیگر رسومی است که از گذشته تا به امروز ادامه دارد، مردم باذوق به مناسبت‌های متفاوت اسامی دیگر روی روز اول سال نهاده‌اند از جمله آنهاست «عید جامه نو» زیرا طبق سنتی که از قدیم به‌جامانده همه مردمان از دارا و بی‌چیز روزهای عید باید لباس نو و تمیز بر تن داشته باشند؛ حتی افراد دولتمند هر روز جامه نو دیگر می‌پوشند (همان: ۴۵۱). ایرانیان در این روز لباس نو می‌پوشند، حتی اگر کسی پول هم نداشته باشد مبلغی از دیگران قرض می‌کند و برای خود و بستگان و خانواده‌اش لباس نو تهیه می‌کند، زیرا اینان معتقدند کسی که سال نو را با لباس کهنه آغاز کند از خوشی‌های تازه سال جدید بی‌بهره خواهد ماند. از مراسم عید نوروز یکی هم آماده کردن انواع غذاهای لذیذ در خانه‌ها و پذیرایی گرم از دوستان و آشنایان است. (کارری ۱۳۴۸: ۱۴۷)

ضرب سکه

در ایران، ضرب سکه اغلب به مناسبت تاج‌گذاری و نیز فرارسیدن اعیاد بزرگ انجام می‌گیرد شاردن در سفرنامه خود به این موضوع اشاره کرده است. (شاردن، ج ۱، ۱۳۷۲: ۹۱۱)

۱۰۶ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

مراسم شب عید

برگزاری مراسم در شب عید نیز از جمله مواردی است که توجه سیاحان را به خود جلب کرده است، مثلاً فیگوروا^۱ در سفرنامه خود آورده است: امشب هم شب عید نوروز است به سلامتی وجود مبارک ولی نعمت کل روحی فدا، همه اهالی اردو را از قراول و غیره مهمان کرده آش و پلو داده می شود و یکصد تومان هم ده شاهی نموده که به همه عیدی داده می شود. همگی دعاگوی وجود مبارک اعلی حضرت شاهنشاه صاحبقران روح العالمین فدا می باشند و از سلامتی وجود مبارکشان شکر خدا را از صمیم قلب به عمل می آورند. شرکت کنندگان ظرفی از مس یا برنج یا روی در دست داشتند که آن را پر از آب می کردند و محتوی ظرف را با فشار به سوی دیگران می پاشیدند و گاهی ظرف پر آب را به سوی یکدیگر می انداختند، چنانکه سر بسیاری از آنها می شکست و برخی بر اثر این ضربات جابجا کشته می شدند. (فیگوروا، ۱۳۶۳: ۳۴۷ - ۳۴۵)

علاوه بر موضوعات یاد شده، در لابه لای گزارش های سفرنامه نویسان به موضوعاتی خاص برمی خوریم؛ از جلسه برگزاری سال نو در بین خارجی ها و نیز برگزار نشدن مراسم سال نو در سال ۱۱۳۵ هجری قمری. در ادامه گزارش فیدالگو^۲ و کروسینسکی^۳ را از این وقایع می خوانیم.

دلواله، در سفرنامه خود از برگزاری مراسم نوروز در بین خارجیان و به خصوص بانیان هندی مقیم در اصفهان خبر می دهد، ولی در ادامه از زمان دقیق برگزاری مراسم سال تحویل در بین هندی ها اظهار بی اطلاعی می کند (دلواله، ۱۳۷۰: ۵۱) گاهی در هیاهوی برگزاری مراسم تحویل سال و تعیین حکمرانان بعضی از سفرا مانند فیگوروا مورد بی توجهی و بی مهری قرار می گرفت. (پریرا فیدالگو، ۲۰۳۷: ۲۰)

کروسینسکی در سفرنامه خود از برگزار نشدن مراسم نوروز در ایران گزارش داده که دلیل آن را این گونه شرح داده است: افاغنه صبحی در سال (۱۱۳۵ قمری). زود به

-
1. Silva Y Figueroa
 2. Fidalgo
 3. J. T. Krusinsky

نوروز از دید سفرنامه‌نویسان دوره صفویه و قاجاریه ❖ ۱۰۷

خانه اغنیا و متمولان آرامنه رفته، اموال و آذوقه ایشان را غارت کردند، اما بر فقرا و کلیسای ایشان متعرض نشدند و یک نفر نکشتند. در روز بعد از عید نوروز، از اطراف جلفا، به محاصره اصفهان پرداختند و در میانه شهر، زاینده‌رود واقع بود. عبور نتوانستند نمود. (کروسینسکی، ۱۳۶۳: ۵۵-۵۶)

نوروز در دوره قاجاریه

در دوره قاجاریه، به دلیل گسترش روابط بین‌المللی، سیاحان بسیاری مشاهدات خود را از ایران ارایه نموده‌اند به همین دلیل حجم و کیفیت داده‌های این دوره بسیار فراتر از دوره صفویه است.

سال نو و اهمیت برگزاری آن

درخصوص اهمیت سال نو، سیاحان عصر قاجار بسیار قلم زده‌اند مقایسه گزارش آنها از این پدیده خجسته، معرف دیدگاه ایشان از جشن ملی نوروز است: گاسپارد دروویل^۱ در یادداشت‌های خود درباره عید نوروز آورده است، مراسمی که بدین مناسبت برگزار می‌شود از زمان زردشتیان باستان تاکنون حفظ شده است و به گمان من نظیر چنین عیدی در تمام مشرق‌زمین وجود ندارد (دروویل، ۱۳۶۷: ۱۳۵). پولاک نیز در سفرنامه‌اش می‌نویسد: ناصرالدین‌شاه قاجار اهمیت زیادی به عید نوروز می‌داد به طوری که مراسم آغاز سال نو را حتی در نیمه‌شب جشن می‌گرفت (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۴). شیل^۲ (۱۳۶۸: ۱۱۸) نیز نوروز را بزرگ‌ترین جشن‌های ایرانیان ذکر کرده است. رونه^۳ دالمانی علاقه ایرانیان به نوروز را چنین توصیف کرده: به قدری ایرانیان علاقه و دلبستگی شدیدی به برگزاری جشن عید دارند که هیچ‌گونه پیش‌آمدی اعم از سیاسی یا مذهبی نتوانسته است آن را منسوخ نماید یا اقلاً از ابهت و شکوه آن بکاهد (رونه دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۱۹-۲۱۶ و بروگش^۴، ج ۲، ۱۳۶۷:

-
1. Gaspard Drouville
 2. Lady Mary sheil
 3. Ronet
 4. Heinrich karl Bugsch

۱۰۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

۶۱۹). جکسن^۱ نیز به گذشته پرشکوه ایران در نوروز و خراج‌گزاری و اهدای هدایای سفیران دیگر کشورها یاد کرده است. (جکسن، ۱۳۸۷: ۳۶۰)

پیت^۲ یادآور شده عید ملی با مذهب اصلاً رابطه و پیوندی ندارد (پیت، ۱۳۶۵: ۷۹). لیدی شیل^۳ در خاطرات خود بیان کرده است که «باید اعتراف کرد که ایرانی‌ها در مورد برگزیدن جشن سال نو معقول‌تر و منطقی‌تر از ما بوده‌اند، چون آنها به‌جای آنکه تحویل سال خود را مثل ما در وسط زمستان قرار دهند، آن را طوری انتخاب کرده‌اند که شروع سال جدیدشان درست در لحظه ورود خورشید به نیمکره شمالی و در حقیقت آغاز سال خورشیدی باشد. نوروز در حقیقت اول سال رسمی ایرانی است» (شیل، ۱۳۶۸: ۱۰۰). دکتر جان ویشارد^۴، پزشک آمریکایی در زمان مظفرالدین شاه از سوی سفارت آمریکا برای ۲۰ سال از ۱۹۱۰ - ۱۸۹۱ میلادی به ایران سفر کرد، وی عید نوروز را تنها جشن معتبر و مسلم در ایران و بزرگ‌ترین حادثه در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی معرفی کرده است. به بیان وی ایرانیان مراسم و جشن آن را باشکوه هرچه تمام‌تر انجام می‌دهند... در ایام عید نوروز حتی مستمندان نیز رنج‌های خود را برای مدت کوتاهی فراموش می‌کنند. (ویشارد، ۱۳۶۳: ۲۲۴)

تقویم

تقویم از دیگر موضوعاتی است که تنها فوروکاوا^۵ به آن اشاره کرده، ایشان ضمن قابل شدن تفاوت بین تقویم ایران و ژاپن می‌نویسد: در ایران دو نوع تقویم وجود دارد مردم از تقویم قمری و اسلامی استفاده می‌کنند و در دربار از تقویم جلالی (شمسی) استفاده می‌شود. (فوروکاوا^۵، ۱۳۸۴: ۱۵۰-۱۵۱)

-
1. Jackson, Abraham valentine Williams
 2. Pitt
 3. Lady sheil
 4. John wishard
 5. Nabuyoshi Furukawa

آداب و رسوم و اعتقادات

در سفرنامه‌های موجود از عصر قاجار از آداب و رسوم مردم و دربار در استقبال از بهار از عصر قاجار ذکر شده است که از آن جمله است تناول انواع شیرینی، رفتن بر سر خاک مردگان، پختن آش برای بیماران و خجسته دانستن سفیران نوروزی مثلاً پولاک می‌نویسد: که مقادیر معتنابه شیرینی در شهرهای اصفهان و یزد ساخته می‌شود که آن را با کاروان‌ها به سراسر مملکت می‌فرستند. مصرف شیرینی از حدود تصور و خیال آدمی هم فراتر می‌رود. همچنین تهیه انواع خوراکی و تنقلات از جمله کلوچه، نبات، زبان بره، بسیاری از میوه‌های شکر سود نقل و خمیرهایی که در دنبه و کره سرخ شده است همه‌جا محبوبیت عمومی دارد. فقیرترین طبقات مردم به جای قند و شکر برای تهیه شیرینی از شیره استفاده می‌کنند. اما هر مزه‌ای این شیرینی‌ها داشته باشد چندان مهم نیست، مهم این است که سال را با شیرینی آغاز کنند. غیر از شیرینی‌ها، باید از میوه‌هایی که آنها را با تردستی تا نوروزتر و تازه نگاه می‌دارند یاد کرد. مثلاً خربزه اصفهان و قم، انگور، انار ساوه، گلابی نطنز، سیب دماوند را دربارهای بسیار بزرگ صادر می‌کنند (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۶). مردم اقدام به خرید میوه و شیرینی و آجیل می‌کردند (فریزر^۱، ۱۳۶۴: ۱۱۶) در مدت اقامت در تبریز، شیرینی و تزئینات پرزرق و برق فراوان به چشم می‌خورد زیرا نوروز یا سال نو ایرانیان نزدیک بود (جکسن، ۱۳۸۷: ۶۴). خوردن شیرینی در نوروز به خاطر این است که نیشکر در نوروز و توسط جمشید کشف شده است و دیگر آنکه با خوردن شیرینی سال خود را شیرین می‌کنند (همان: ۱۲۰). در خصوص رفتن مردم به سر خاک مردگان، نوردن^۲ (۲۵۳۶: ۱۱۸) آورده است که قبل از غروب آفتاب خانواده‌هایی که عزیزی را از دست داده بودند، به قبرستان می‌رفتند و به فقرا صدقه می‌دادند. چارلز ادوارد پیت در سفرنامه خراسان و سیستان از برگزاری مراسم نوروز در مشهد و سیستان یاد می‌کند و از زیارت و تجمع مردم در کوه خواجه و دل‌انگیزی فصل بهار در مشهد و پرنده‌هایی که ایرانیان آنان را کلاغ سیز می‌نامند و در کنار نهرها

1. James Bilie Fraser

2. Hermann Norden

۱۱۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

تنخم گذاری می کنند نوشته است (پیت، ۱۳۶۵: ۸۱). در عصر قاجار، در میان مردم فارس، مژده دهنده‌ای آمدن نوروز را نوید می‌داد که یک نوع مرغ دریایی به نام «گوشت تلخ» بود. شیرازی‌ها آنان را مرغ نوروزی نام نهادند و ورود آنها را که سفیران نوروز بودند میمون و مبارک می‌دانستند. (براون^۱، ۱۳۷۱: ۳۵۷ - ۳۵۱)

همچنین در این ایام برای شفای مریض‌ها آش می‌پختند که در این روز یکی از افراد خانواده سینی به دست می‌گرفت و به‌طور ناشناس به در منزل می‌رفت و هرکس یک خوراکی از قبیل پیاز، نمک و برنج و... در سینی می‌گذاشت از ترکیب این مواد آشی درست می‌شد که اعتقاد داشتند اگر بیمار از آن بخورد شفا می‌یافت. (هردوان^۲، ۱۳۲۴: ۴۱)

آیین‌های پیشواز نوروز

در خصوص استقبال و تدارک نوروز همچون تزئینات، نظافت و سبزه انداختن برای سال نو مطالبی از این دست در سفرنامه‌ها به‌وفور یافت می‌شود که مردم از مدت‌ها قبل خود را برای این جشن آماده می‌ساختند، شروع به خانه‌تکانی می‌کردند، در ظرف‌هایی یا بر روی کوزه‌ها مقداری گندم و جو یا سایر حبوبات می‌رویاندند. مغازه‌ها را با زرورق‌ها و کاغذهای رنگی تزئین می‌کردند که در این بین تزئینات مغازه‌های قنادی از همه بیشتر به چشم می‌خورد، از درختان کنار خیابان فانوس‌های رنگی آویزان می‌کردند (فریزر، ۱۳۶۴: ۱۱۶؛ بروگش، ۱۳۶۷: ۶۲۰؛ هرودان، ۱۳۲۴: ۴۰). روز قبل از عید همه به حمام می‌روند و سر را حنا می‌گذارند و ناخن‌ها را رنگ می‌کنند. مردان ریش‌هایشان را حنا می‌گذاشتند پارسی‌ها حتی تمام بدن خود را به‌استثنای صورتشان را حنا می‌گذارند تا پوستشان به رنگ زرد درآید، حتی دم و یال اسب‌ها و قاطرها را هم‌رنگ می‌کردند (نوردن، ۲۵۳۶: ۱۱۸؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۶؛ اوبن، ۱۳۹۱: ۳۲۹). چند روزی پیش از عید به پاکیزه کردن خانه‌ها و «فرش‌تکانی» می‌پردازند. تکاندن فرش فقط یکبار در سال انجام می‌گیرد، چون در طول سال گرد و غبار گرد آمده روزانه از طرف خدمه

-
1. Edward Grnville Browne
 2. Jacques Herdouin

نوروز از دید سفرنامه‌نویسان دوره صفویه و قاجاریه ❖ ۱۱۱

زیر همان فرش مخفی شده است. به هنگام فرش‌تکانی منزل شاه، وی به یکی از قصور تفریحی خود می‌رود و تا پایان کار همان‌جا می‌ماند. (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۶)

تعیین زمان تحویل سال

درباره تعیین زمان دقیق لحظه تحویل سال نیز بیان شده است که منجمان دربار، با استفاده از ساعت و نزدیکی ستاره‌ها به هم این کار را انجام می‌دادند. نوردن درباره زمان دقیق سال تحویل ذکر می‌کند که تعیین زمان دقیق نوروز بر عهده منجم‌باشی دربار بود. (نوردن، ۲۵۳۶: ۱۱۹؛ رونه دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۱۹؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۸؛ فووریه، ۱۳۸۵: ۱۴۵) در سالی که کارلا سرنا^۱ در ایران بود نقل می‌کند که در دربار ایران به انجام دادن هیچ کاری بدون مشورت با منجمان اقدام نمی‌کنند، شاه در این مورد نیز خواسته یا ناخواسته نظر «منجم‌باشی» را خواسته بود و او به علت نزدیکی ستاره‌ها (قران کواکب) روز دوم نوروز را برای برگزاری مراسم سلام مناسب تشخیص داده بود. (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۱۳ - ۲۱۲)

مراسم سلام و سال تحویل در دربار

یکی از مراسمی که از گذشته دور در دربار ایران و هم‌زمان با آغاز سال نو مرسوم بود و سیاحان آن را ذکر کرده‌اند «سلام نوروزی» است. در قصر شاه مقدمات برگزاری «سلام» فراهم می‌شود. همان‌گونه که در دوره صفویه رایج بود این جشن باید در اولین روز نوروز برگزار شود (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۱۷ - ۲۱۲). در دربار، حلول سال نو را چه در نیمه‌شب باشد و چه دیرتر با «سلام» جشن می‌گیرند که فقط علما، سادات و مأموران عالی‌مقام و مقرب‌الخاقان و چند نفر از افسران ارکان حرب در آن مراسم دعوت دارند. اندک‌اندک مقرب‌الخاقان‌ها تالار را پر می‌کنند (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۶). در مراسم سلام، شاه با لباس تمام‌رسمی - که نیمه ایرانی و نیمه اروپایی و غرق در انواع جواهرات گران‌بها بود - جلوس نموده بود و تاج جواهرنشان باشکوهی بر سر داشت. شمشیری مرصع نیز که غلاف آن از سر تا نوک مزین به قطعات الماس بود به کمر بسته و به انتظار پایان یافتن مراسم شرفیابی گروه‌های مختلف و آسوده شدن از خستگی تاج سنگینی که بر سر داشت، بی‌تاب بود (شیل، ۱۳۶۸: ۱۰۱؛

1. Carla Serena

۱۱۲ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

رونه دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۲۲؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۲۶۰؛ کرزن^۱، ۱۳۸۰: ۴۱۹ - ۴۱۴؛ اورسل؛ ۱۳۸۲: ۲۵۷؛ فوریه، ۱۳۸۵: ۱۴۵ - ۱۴۴). درخصوص برگزاری سلام در دربار، سرنا (۱۳۶۲: ۲۲۰) مطلبی ذکر کرده است: در ایام نوروز، خانم‌های سرشناس از رفتن به دیدن ملکه انیس‌الدوله غفلت نمی‌کنند و این روزها را برای مطرح کردن درخواست‌هایی که از سوگلی شاه دارند مغتنم می‌شمارند، ضمناً اهدای تحفه‌های سستی از قبیل شیرینی، مربا، نقل و نبات که لای آنها بامهارت خاصی جواهرات گران‌بها، و کیسه‌های کوچک محتوی سکه‌های یک‌تومانی جا داده می‌شود، نیز فراموش نمی‌گردد.

مراسم تحویل سال

برخلاف دوره صفویه که گزارش سیاحان از مراسم تحویل سال بیشتر معطوف به دربار بود در دوره قاجاریه، گزارش‌هایی خواندند درخصوص لحظه تحویل سال بین عامه مردم، تقارن نوروز با رمضان و حتی نحوه دیده‌بوسی مردم وجود دارد. در ساعت تحویل سال، افراد خانواده دور سفره می‌نشستند و در دستشان مقداری گندم و برنج با سکه‌های طلا و نقره که علامت نعمت و فراوانی است نگاه می‌داشتند، دعای تحویل سال خوانده می‌شد و سپس یکی از قاریان قرآن سوره یس را تلاوت می‌کرد (بروگش، ۱۳۷۴: ۶۲۱). خواندن سوره یاسین در لحظه تحویل سال و دعای تحویل سال را از آداب ایرانیان می‌داند (رونه دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۲۲). پولاک از برگزاری جشن عید نوروز در ماه مبارک رمضان یاد می‌کند و ذکر می‌کند که ایرانیان به حرمت ماه رمضان روزها از خوردن و آشامیدن امتناع می‌کنند و به جای آن شب‌ها به دیدوبازدید می‌روند (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۹). تخم‌مرغ‌های قرمز را با دست می‌شکستند و با یکدیگر روبوسی می‌کردند و در اتاق‌ها و باغ‌های خود فرش پهن می‌کردند و روی آن اثاث گران‌قیمت می‌گذاشتند. (کاتف، ۱۳۵۱: ۷۵)

تعطیلی دادوستد

در خصوص تعطیلی مغازه‌ها و دکان‌ها و دادوستد نیز سفرنامه‌های مختلف، مطالب قابل توجهی هست؛ از جمله ایام نوروز تجار دکان‌های خود را می‌بندند و معاملات و

1. Lord George Nathaniel Curzon

نوروز از دید سفرنامه‌نویسان دوره صفویه و قاجاریه ❖ ۱۱۳

دادوستدهای تجارتنی تعطیل می‌شود (رونه دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۲۲-۲۱۹). در طول این روزها تقریباً همه کسب‌وکارها تعطیل است؛ در این مدت همه منحصرأ به تفریح می‌پردازند (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۹). همه دکان‌ها را بارنگ، سفیدکاری می‌کنند و با گل می‌آرایند. هنگام صبح در همه مغازه‌ها و خانه‌ها شمع و پیه‌سوزها را با گل می‌آرایند، در این روزها، دادوستد و کسب‌وکار تعطیل بود و فقط در میدان‌ها، بازی و نمایش‌های مختلف ترتیب داده می‌شد. (کاتف، ۱۳۵۱: ۷۴)

لباس نو

درباره پوشش ایرانیان در ایام نوروز، مطالبی از سیاحان نقل شده است که اکثر آن با عصر صفوی مشترک می‌باشد و حتی با فرهنگ سال نو و لباس نو در عصر حاضر نیز اشتراک دارد. در این مورد اکثر سفرنامه‌نویسان به اهمیت دادن لباس نو پرداخته‌اند؛ گزارش پولاک درباره پوشاک درباریان و زنان در نوروز خواندنی است: در ایام نوروز لباس افتخار با تشریفات خاصی بسته‌بندی می‌گردد و به دست اشخاصی که در دربار مقام‌والایی دارند سپرده می‌شود.

هرکس جامه در بردارد و از آنجا که رنگ‌های روشن بیش از همه طرف توجه است گروه‌هایی را می‌بینید که لباس‌های سبز، زرد، آبی و سرخ بر تن دارند و درهم می‌لولند؛ بدیهی است که زنان ناگزیرند جامه‌های نو خود را زیر چادرهای تیره‌رنگشان پنهان دارند. آشنایانی که باهم روبرو می‌شوند دست یکدیگر را می‌فشارند و با فریاد «عید مبارک» یکدیگر را در آغوش می‌کشند. (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۹)

انتصابات

انتصابات نیز مانند دوره صفوی اغلب در ایام نوروز برگزار می‌شد که دروویل و پولاک و اورسل^۱ به آن پرداخته‌اند. در ایام نوروز، خلعت و انتصابات صورت می‌گیرد که در این مورد پولاک و دروویل اتفاق نظر دارند و گرفتن خلعت در ایام نوروز از

1. Ernest Orsolle

۱۱۴ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

پادشاه توسط حکام ولایات نشان بقای آنهاست و نگرفتن خلعت نشان از آن دارد که دیگر جایی در آن منصب ندارد (دروویل، ۱۳۶۷: ۱۳۷؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۴). در عید نوروز داوطلبان بیگلربیگی بودن مبالغی به شاه پیشنهاد می‌کنند تا فرمان حکومت ایالت مورد نظر را به دست آورند. کسی که از میان آنان بیش از همه پول پیشنهاد کرده است، طبعاً فرمان به نام او صادر می‌شود و حاکم جدید بلافاصله برای تأمین مبلغ پیش‌بهای تقدیمی‌اش که تمامی این پول‌ها در نهایت از کیسه ضعیف فرد ساکنان حوزه مأموریتش پرداخت خواهد شد به ایالت خود حرکت می‌کند (اورسل، ۱۳۸۲: ۳۱۷).

سفره هفت‌سین

درباره سفره هفت‌سین سیاحان اتفاق نظر دارند و ذکر کرده‌اند: نیکیتین^۱ (۱۳۵۶: ۱۲۶) هفت سین نوروز را یادبود هفت فرشته مقرب اهورامزدا (امشاسپندان) می‌داند. نوردن (۲۵۳۶: ۱۱۹) می‌نویسد: خانواده‌ها سفره هفت‌سین را پهن می‌کردند و در آن هفت چیز خوراکی که ابتدای نام آنها با حرف سین شروع می‌شد قرار می‌دادند. همین‌طور قرآن و شمع و ماهی و آینه و در ظرفی آب قرار می‌دادند مجموعه هفت‌سین مرکب است از هفت نوع شیرینی یا میوه و سایر خوراکی‌ها که حرف اول هر یک باشد و در دربار نیز مانند مردم عادی کمی به تحویل سال مانده مجموعه هفت‌سین را می‌آوردند و در مقابل شاه می‌گذارند، به محض تحویل سال شاه مقداری از محتویات آن می‌خورد، بعد کندر و سایر مواد معطر در مجمرها می‌سوزانند وسط سفره ظرف بزرگی گذاشته‌اند که در آن گندم یا حبوبات دیگری سبز شده است و نشانه تجدید سال است. رونه دالمانی نیز به گسترده این سفره در دربار اشاره کرده است.

خرافات

همراه با برگزاری مراسم سال نو و نوروز بعضی از خرافات که در بین جامعه ایرانی آن زمان رواج داشته از دید سیاحان دور مانده است و بعضی از این مسافران خارجی

1. Basile P. Nikitine

نوروز از دید سفرنامه‌نویسان دوره صفویه و قاجاریه ❖ ۱۱۵

در سفرنامه‌های خود آورده‌اند که عبارت‌اند از: اگر در روز نوروز، حادثه ناخوشایندی برای کسی اتفاق بیافتد، تا پایان سال وسوسهٔ بدبختی دامن وی را رها نخواهد کرد (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۱۲). مردم اعتقاد داشتند که توپ مروارید حاجت آنها را برآورده می‌کند. زنان برای مداوای فرزندان خود یا برای باردارشدن و دختران برای گشایش بختشان به سراغ این توپ می‌رفتند. (هردوان، ۱۳۲۴: ۴۰)

جشن و آتش‌بازی

ویلز^۱ و فلاندن^۲ و فووریه مشترکاً به تفریح و سرگرمی در مراسم سال‌تحویل اشاره دارند: در محوطه کاخ جهت سرگرمی میهمانان چند نفر کشتی می‌گرفتند، بندبازان و دلک‌ها و تردستان شیرین‌کاری می‌کردند. از حیوانات نیز در این مراسم استفاده می‌شد گاه جنگ گاوها و قوچ‌ها را به راه می‌انداختند دیگر سفرنامه‌نویسان نیز به رقص رقاصه‌ها و کشتی پهلوانان اشاره کرده‌اند (فلاندن، ۱۳۲۴: ۳۴۳؛ فووریه، ۱۳۸۵: ۲۳۵؛ ویلز، ۱۳۸۸: ۹۴؛ فیودورکوف، ۱۳۷۲؛ کاتف، ۱۳۵۱: ۷۵ و ۷۴؛ سرنا، ۱۳۶۲: ۲۲۵). دنیس رایت^۳ در کتاب انگلیسی‌ها در میان ایرانیان به توصیف جشن و سرگرمی ایرانیان در ایام نوروز پرداخته است و مانند فلاندن و فووریه و ویلز از کشتی خیابان تا نمایش‌های خیابانی و آتش‌بازی و فشفشه‌هایی که باعث شادی و هلهله مردم می‌شد خبر می‌دهد. (رایت، ۱۳۵۹: ۵۴)

شلیک توپ

این مورد نیز با ویژه برنامه‌هایی که در عصر صفوی و حتی در عصر حاضر برگزار می‌شود مطابقت دارد. تنها گزارش قابل توجه گزارش دالمانی از اعداد شلیک توپ است: رونه دالمانی در سفرنامه خود از برگزاری جشن در دربار و آغاز آن می‌نویسد شلیک توپ شروع می‌شود و ۱۱۰ تیر که مطابق حساب ابجد بنام علی (ع) مطابق است شلیک می‌کنند. (رونه دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۲۱)

-
1. Charles James wills
 2. Eugene Flandin
 3. Sir Denis wright

۱۱۶ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

دیدوبازدید

دیدوبازدید عید از نگاه مستشرقین دارای نکاتی هست که با مردم امروزه چندان تفاوتی نکرده است. تنها گزارش قابل تأمل ترتیب دیدوبازدیدهای شاه، وزیران و سفرا است. ترتیب دیدوبازدیدها خود مبتنی بر رعایت قواعدی سخت است. شاه خود با جلال و جبروت به دیدن مهم‌ترین روحانیون شهر می‌رود. وزیران به بازدید سفرای فرنگی می‌آیند و از این فرصت برای مذاکره در باب امور دولتی و خصوصی و برطرف کردن ناراحتی‌های شخصی و همچنین استعلام همگامی و همراهی آنها با کابینه حاضر، سود می‌جویند. (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۶۴)

مدت برگزاری جشن نوروز

در خصوص برگزاری مدت عید نوروز نیز سیاحان دست به ثبت آن زده‌اند. برخی مثل شیل (۱۳۶۸: ۸۰) و پولاک (۱۳۶۸: ۲۵۰) دقیقاً ایام تعطیل را سیزده روز ذکر کرده‌اند برخی به طور کلی دو هفته را ذکر کرده‌اند و دروویل نیز ایام نوروز را پانزده روز بیان کرده است. (همان: ۱۳۵)

هدیه و عیدی دادن

در خصوص هدیه دادن به شاه و هدایایی که شاه به زبردستان می‌دهند در سفرنامه‌ها اشاراتی فراوانی وجود دارد. هدیه به هم دادن، تبریک و تهنیت به هم گفتن، شاد بودن و نشاط کردن (جکسن، ۱۳۸۷: ۱۲۰). در دربار هدیه دادن دوطرفه بود و پیشکش‌هایی نیز از جانب امرا و حکمرانان به پادشاه تقدیم می‌شد «طبق یک آیین کهن، چون هیچ‌کس بدون تقدیم هدیه‌ای خاصه در روز نوروز به حضور شاه بار نمی‌یابد، این عید، هم برای شاه و هم برای داوطلبان جاه و مقام، فرصت بسیار مغتنمی است» (سرنا، ۱۳۶۲: ۲۱۹؛ پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۵ - ۲۵۴). همان‌طور که شاه نسبت به همه مملکت عمل می‌کند هر کس دیگر نیز در شعاع محدود خود باید به نوکران و ابواب‌جمعی خود عیدی بدهد که اغلب عبارت است از لباس و قواره پارچه تابستانی است (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۵۶) لیدی شیل (۱۳۶۸: ۹۷). در خاطرات خود آورده است که در روز دهم مارس

نوروز از دید سفرنامه‌نویسان دوره صفویه و قاجاریه ❖ ۱۱۷

۱۸۵۰ همسرش کلنل سیل برای ملاقات به دربار نزد امیرکبیر رفت، ولی امیرکبیر به خاطر اینکه در حال تدارک عیدی برای درباریان بود از دیدار با شیل خودداری کرد.

دراویش و عید نوروز

یکی از آئین‌هایی که امروزه به جای نمانده استقرار دراویش در خانه متحولین به وقت نوروز است. پولاک (۱۳۶۸: ۲۵۶) شرح مفصلی از این آئین ارائه کرده است: دو سه هفته قبل از نوروز درویش‌ها از اطراف و اکناف مملکت به شهرها سرازیر می‌شوند و خود را به رئیسشان موسوم به درویش‌باشی معرفی می‌کنند تا از طرف وی به خانه‌های مردم ثروتمند فرستاده شوند، وقتی درویش به خانه مقصد خود رسید، عصای خودش را که نوکی آهنین دارد به زمین می‌کوبد و با صدایی گوش‌خراش فریاد برمی‌آورد «یا حق». دیگر، باروبندیل خود را به کنار در تکیه می‌دهد، زمین را دور تا دور خود می‌کند، تخم مقداری جو و گل‌های بهاری می‌افشاند و درست و حسابی مثل خانه خود در آنجا مستقر می‌شود؛ صاحب‌خانه وظیفه دارد که سور و سات او را تأمین کند و پس از عید، مقداری فراوان پول به وی بدهد. هرگاه از چنین کاری فروگذار درویش چندین ماه در کنار خانه‌اش لنگر می‌اندازد که در آن مدت باید نان و آب او را تأمین کرد و از آن گذشته به هنگام خروج و ورود علی‌الدوام فریاد یا حق می‌کشد و با بوقی که از شاخ بز تهیه شده و صدایی گوش‌خراش دارد مزاحم می‌شود. هیچ‌کس جرئت ندارد درویشی را با خشونت از خود براند؛ از سرزنش مردم و همچنین نفرین و انتقام درویش و همه همپایگی‌هایش مردم احترام دارند.

سیزده‌بدر

درباره سیزده‌بدر و بیرون رفتن مردم از خانه و رفتن به دامن طبیعت سیاحان این دوره از جمله پولاک و دیگر سیاحان مطالبی نوشته‌اند که با برگزاری آن در عصر صفوی و حاضر تفاوت چندانی ندارد. نکات قابل تأمل گزارش پولاک درخصوص نحوه حضور زنان در این جشن و توصیف بروگش از فلسفه این جشن است: «برای اینکه تا حدودی از هجوم زنان به خارج شهر جلوگیری شود به دستور کلاتر از هر زنی عوارض ناچیزی وصول می‌شود. با این روز دیگر شادی‌های نوروز پایان می‌پذیرد. (همان: ۲۶۵)

۱۱۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

هنریش بروگش^۱ روز سیزدهم نوروز را روزی نحس از نگاه ایرانیان دانسته و بیان می‌کند که در این روز، همه به بیرون از خانه‌های خود می‌روند تا دیوهای داخل خانه نتوانند نحوست خود را به مردم انتقال دهند. (بروگش، ۱۳۶۷: ۱۳۸)

جمع‌بندی

مراسم نوروز در گذر از تاریخ شاهد تغییرات بسیاری بوده است. آنچه ما را در این گذر راهنمایی می‌کند سفرنامه سیاحان است. در این جستار گزارش‌های آئین‌های نوروز در دو عصر صفوی و قاجار بررسی شد در دوران صفویه، سیاحانی که به ایران آمدند و دست‌به‌قلم شدند اغلب در بین مطالب ارائه‌شده خود به نوروز اشاره کرده‌اند، بعضی از این سیاحان که در این پژوهش از مطالب سفرنامه‌های ایشان بهره‌برداری شد، افراد مشهوری چون شاردن، کمپفر، دلاواله، کارری، اولتاریوس، فیدالگو و فیگوئرا بودند که به دربار پادشاهان صفوی نیز راه داشتند. همچنین در دوران قاجار نیز سیاحان بسیاری به ایران مهاجرت کردند و دست به تحریر خاطرات خود زدند. این افراد، بنا بر دلایل متعدد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دست به مسافرت به ایران زدند که دلایل سیاسی از همه آنها مهمتر بود. اکثر سیاحان عصر قاجار که دست‌به‌قلم شدند و خاطرات آنها نیز موجود است در عصر ناصری به ایران و حتی به دربار راه یافتند که از آن جمله‌اند فوروریه و پولاک و سرنا و

برگزاری مراسم نوروز در دو دوره صفویه و قاجاریه بر اساس نوشته‌های سیاحان را این‌گونه می‌توان جمع‌بندی کرد:

در دوران صفویه آغاز سال نو با اعلام منجم‌باشی صورت می‌گرفت و این مورد در دوران قاجاریه نیز برگزار می‌شد توجه به گاه‌شماری و ستاره‌شناسی جزو لاینفک آغاز مراسم سال نو بود. شلیک توپ در دوران صفویه و قاجاریه برای اعلام عمومی آغاز سال نو از مواردی است که در سفرنامه‌ها ذکر شده است و به‌مرور زمان تغییر نکرده است. در هر دو دوره، سیاحان در سفرنامه‌های خود ذکر کردند که عید نوروز یک

1. Heinrich Brugsch

مراسم غیر مذهبی است که از دوران پیش از اسلام وارد دین اسلام شد و گسترش پیدا کرد.

از مواردی که در دوران صفویه و قاجاریه برگزار می‌شد و می‌توان به آن اشاره کرد و به مرور زمان تغییر و تحولی در شیوه برگزاری آن صورت گرفته، نوع هدیه دادن و عیدی دادن است که در دوران صفویه افراد کوچک‌تر به بزرگ‌ترها و زیردستان به کسانی که دارای مناصب بالا بودند هدیه و عیدی می‌دادند، ولی در دوران قاجاریه کاملاً برعکس شد و بزرگ‌ترها به کوچک‌ترها و افراد دارای جایگاه بالاتر به فرودستان عیدی می‌دادند.

در خصوص دید و بازدید در دو دوره مورد نظر بدین گونه بود که بزرگ‌ترها به مناسبت‌های مختلف از جمله عید نوروز در منزل می‌نشستند و کوچک‌ترها به دیدارشان می‌رفتند و بزرگ‌ترها هم از آنان به گرمی استقبال می‌کردند. در دوره قاجاریه و مخصوصاً دوره ناصری، همان رسم معمول بود و شاه به دیدار امام‌جمعه و وزرا به دیدار سفرای فرنگی می‌رفتند. درباره زیارت در ایام نوروز در عصر قاجاریه رونه *دالمانی* مطلبی آورده است، ولی در دوران صفوی هیچ‌کدام از سفرنامه‌ها اشاره‌ای به آن نکرده‌اند. مورد بحث دیگری که باید در نظر گرفت، انتصاب حکمرانان و داروغه‌ها در ایام نوروز است که در هر دو دوره انجام می‌شد، با این اختلاف که در دوره قاجار فرستادن خلعت نشان از باقی ماندن یا انتصاب حاکم بود. شاردن در دوره صفویه و پولاک در دوره قاجاریه بیشترین اشاره را به این موضوع کرده‌اند. پذیرایی از دیگر مواردی است که در تمام دوره‌ها بازتاب داشته است و در دوران صفویه صاحب‌خانه با غذاها و شیرینی‌های متنوع و لذیذ از مهمان پذیرایی می‌کرد و در دوران قاجاریه صاحب‌خانه بهترین میوه‌ها و غذاها و شیرینی‌هایی را برای پذیرایی از میهمانان در نظر می‌گرفت و آماده می‌کرد. درباره سبزه، سفرنامه‌های موجود در هر دو دوره صفویه و قاجاریه اشاره کرده‌اند. در دوره صفویه، شاردن درباره بازی‌های موجود در ایام نوروز و مخصوصاً تخم‌مرغ‌بازی اشاره مفصلی دارد، ولی در این خصوص در دوره قاجار مطلبی ذکر نشده است، ولی از مراسمی که در کوچه و بازار و تفریحات مردم سخن به میان

۱۲۰ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

می‌آید ذکر می‌شود که مردم در جشن‌های سال نو تخم‌مرغ‌های قرمز رنگ را در خیابان‌ها می‌شکنند.

در مورد لباس نو و اهمیت دادن مردم ایران به تهیه آن، اکثر سفرنامه‌نویسان متفق‌القول به آن اشاره کرده‌اند، در عصر صفویه شاردن، کارری، دلاواله و کمپفر درباره آن کامل توضیح داده‌اند و در زمان قاجاریه نیز پولاک، دروویل، شیل، سرنا، کازاما^۱ و جکسن به آن اشاره کرده‌اند که اگر کسی پولی برای تهیه لباس نو نداشته باشد الزاماً خود را زیر بار قرض می‌برد تا بتواند برای شب عید لباس نو بر تن کند. درباره برگزاری مدت مراسم نوروز در این دوره، اغلب به مدت ۱۳ روز تا دو هفته اشاره کرده‌اند. درباره برگزاری مراسم سیزده‌بدر سفرنامه‌های دوره قاجاریه با توجه به دقت بیشتر از مراسم نوروز بیشتر مطلب می‌توان به دست آورد. تعدادی از این سیاحان سیزده‌بدر را روز نحس می‌دانند و تعدادی دیگر روز شادی و از جمله موارد قابل تأمل عدم اجازه به زن‌ها برای برگزاری مراسم به منظور رفتن به بیرون شهر است.

فرستادن درویش به خانه اغنیا و سکونت در آنجا در ایام نوروز، از آئین‌هایی است که رد پای آن در دوره قاجاریه در سفرنامه‌ها وجود دارد. مرغ نوروزی یکی از اعتقاداتی است که ادوارد بروان در شیراز شاهد آن بود و در این مورد در دوران صفوی ذکر نشده است. در خصوص سرگرمی و شادی مردم در شب عید و روز اول نوروز، در هر دو دوره شاهد برپایی مراسم گوناگون هستیم. در دوره صفویه، رسم آب‌پاشان و کوزه شکستن مرسوم بود و در دوره قاجاریه و مخصوصاً عصر ناصری شاهد برپایی مراسم رقص و آواز و معرکه‌گیری در خیابان هستیم.

در بین تمام سفرنامه‌نویسان دوره صفویه، کروسینسکی که هم‌زمان با افول و سقوط دوران صفوی در ایران حضور داشت، درباره عدم برگزاری مراسم عید نوروز به دلیل حمله افاغنه اشاره کرده است. در دوره قاجاریه نیز مادام سرنا در سال ۱۸۷۷ و در عصر ناصری از برگزاری مراسم سلام در روز دوم نوروز خبر داده‌اند.

نوروز از دید سفرنامه‌نویسان دوره صفویه و قاجاریه ❖ ۱۲۱

در نهایت، با توجه به شواهد موجود از سفرنامه‌ها می‌توان به این جمع‌بندی رسید که مراسم نوروز با توجه به تغییرات در این دو دوره که بسیار اندک است همچنان دارای اهمیت فراوان بوده و تشریفات برگزاری آن نه تنها کم که باشکوه بیشتری در پایتخت برگزار می‌شده است.

منابع

- اذکایی، پرویز (۱۳۵۶). *نوروز تاریخیچه و مرجع‌شناسی*، تهران: وزارت فرهنگ و هنر، مرکز مردم‌شناسی ایران.
- اشپولر، برتولد (۱۳۶۲). *تاریخ ایران قرون نخستین اسلامی*، ترجمه مریم میراحمدی، ج ۲، تهران: علمی و فرهنگی.
- اوبن، اوژن (۱۳۹۱). *ایران امروز (خاطرات و سفرنامه اوبن)*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: علم.
- اورسل، ارنست (۱۳۸۲). *سفرنامه اورسل*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- اولثاریوس، آدام (۱۳۸۵). *ایران عصر صفوی از نگاه یک آلمانی*، ترجمه احمد بهپور، تهران: ابتکار نو.
- براون، ادوارد (۱۳۷۱). *یک سال در میان ایرانیان*، ترجمه ذبیح اله منصوری، تهران: صفار.
- بروگش، هنریش کارل (۱۳۶۷). *سفری به دربار سلطان صاحبقران*، ترجمه حسین کردبچه، تهران: اطلاعات.
- بروگش، هنریش (۱۳۶۷). *در سرزمین آفتاب*، ج ۲، ترجمه مجید جلیلونند، تهران: مرکز.
- بهار، مهرداد (۱۳۶۲). *پژوهشی در اساطیر ایران*، ج ۱، تهران: توس.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۴). *جستاری چند در فرهنگ ایران*، تهران: فکر روز.

۱۲۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

- پیرافیدالگو، گرگوریو (۲۵۳۷). گزارش سفیر کشور پرتغال در دربار سلطان حسین صفوی، ترجمه پروین حکمت، تهران: دانشگاه تهران.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸). ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
- پیت، چارلز ادوارد (۱۳۶۵). سفرنامه ایران و افغانستان (خراسان و سیستان)، ترجمه قدرت‌اله روشن و مهرداد رهبری، تهران: یزدان.
- جکسن، آبراهام والتاین ویلیامز (۱۳۸۷). سفرنامه جکسن (ایران در گذشته و حال)، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران: علمی و فرهنگی.
- دروویل، گاسپار (۱۳۶۷). سفر در ایران، ترجمه منوچهر اعتمادی مقدم، تهران: شبانویز.
- دلاواله، پیتر و (۱۳۷۰). سفرنامه پیتر و دلاواله، ترجمه شعاع‌الدین شفا، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- رایت، دنیس (۱۳۵۹). انگلیسی‌ها در میان ایرانیان، ترجمه لطفعلی خنجی، تهران: امیرکبیر.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۶). آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز، تهران: آگاه.
- رونه دالمانی، هانری (۱۳۳۵). سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه محمدعلی فره‌وشی، تهران: امیرکبیر.
- سرنا، کارلا (۱۳۶۲). آدم‌ها و آئین‌ها، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲). سفرنامه شاردن، ج ۱، ۲، ۳ و ۵، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس.
- شعبانی، رضا (۱۳۷۸). آداب و رسوم نوروز، تهران: مرکز مطالعات فرهنگی - بین‌المللی.
- شیل، لیدی مری (۱۳۶۸). خاطرات لیدی شیل، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو.
- فریزر، جیمز بیلی (۱۳۶۴). سفرنامه فریزر، ترجمه منوچهر امیری، تهران: توس.

نوروز از دید سفرنامه‌نویسان دوره صفویه و قاجاریه ❖ ۱۲۳

- فلاندن، اوژن (۱۳۲۴). *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*، ترجمه حسین نورصادقی، چ ۲، تهران: چاپخانه روز نقش جهان.
- فوروکاوا، نوبویوشی (۱۳۸۴). *سفرنامه فوروکاوا*، ترجمه هاشم رجب‌زاده و کینیچی ئە اورا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- فووریه، ژوانس (۱۳۸۵). *سه سال در دربار ایران*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران: نشر علم.
- فیگوریوا، دن گارسیا دسیلوا (۱۳۶۳). *سفرنامه فیگوریوا*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.
- فیودورکوف، بارون (۱۳۷۲). *سفرنامه بارون فیودورکوف*، ترجمه اسکندر ذبیحیان، تهران: فکر روز.
- کاتف، فدت آفاناس یویچ (۱۳۵۱). *سفرنامه کاتف*، ترجمه محمدصادق همایون‌فر، تهران: نشر.
- کاری، جملی (۱۳۴۸). *سفرنامه کاری*، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
- کازاما، آکی یو (۱۳۸۰). *سفرنامه کازاما*، ترجمه هاشم رجب‌زاده، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کرزن، جرج ناتانیل (۱۳۸۰). *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- کروسینسکی، پوداش تادیوش (۱۳۶۳). *سفرنامه کروسینسکی*، ترجمه عبدالرزاق دنبلی، تهران: توس.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳). *سفرنامه کمپفر*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
- نوردن، هرمان (۲۵۳۶). *در زیر آسمان ایران*، ترجمه سیمین سمیعی، تهران: دانشگاه تهران.
- نیکیتین، بازیل (۱۳۵۶). *خاطرات و سفرنامه موسیو ب. نیکیتین*، ترجمه علی محمد فره‌وشی، تهران: معرفت.

۱۲۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

- ویشارد، جان. گ (۱۳۶۳). بیست سال در ایران، ترجمه علی پیرنیا، تهران: نشر نوین.
- ویلز، چارلز جیمز (۱۳۸۸). سفرنامه دکتر ویلز (ایران در یک قرن گذشته)، ترجمه غلامحسین قراگوزلو، تهران: اقبال.
- هردوان، ژاک (۱۳۲۴). در آفتاب ایران، ترجمه مجید جلیلود، تهران: چاپخانه چهره.
- یارشاطر، احسان (۱۳۷۷). تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، ترجمه حسن انوشه، تهران.